

حکم دادگاه در پرونده قتل جوان موتورسوار صادر شد

رقص تیغ قصاص در مرداب ارتباط خیابانی!



متهم هنگام بازسازی صحنه جنایت - عکس: خراسان

سید خلیل سجاد پور - مرد ۳۵ ساله که جوان موتورسوار را با انگیزه مزاحمت برای دخترش به قتل رسانده بود با صدور حکم دادگاه در حالی زیر تیغ قصاص نفس قرار گرفت که تحقیقات قضایی از ارتباط خیابانی دختر و پسر مذکور حکایت داشت. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، متهم این پرونده جنایی که شهرپور گذشته برای آخرین بار پای میز عدالت نشسته بود، اگرچه به صراحت ارتکاب قتل را پذیرفت اما ادعاهای دیگری را مطرح کرد و با بیان این که «من قصد کشتن جوان موتورسوار نداشتم و تنها می خواستم او را بترسانم!» درباره چگونگی وقوع این جنایت هولناک به قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی گفت: آن شب منتظر دخترم بودم تا از سرکارش به خانه بازگردد. او به عنوان فروشنده در یکی از فروشگاه های مشهد مشغول کار بود و هر شب به تنهایی به منزل بازمی گشت ولی وقتی من از حیاط بیرون آمدم او را در کنار جوان موتورسواری دیدم که دستش را گرفته بود و قصد داشت به زور دختر ۱۵ ساله ام را سوار موتورسیکلت کند! من چند بار دیگر آن جوان را در خیابان دیده بودم و تصورم این بود که او قصد خواستگاری از دخترم را دارد اما هنگامی که این صحنه را با چشمان خود مشاهده کردم دیگر نتوانستم تحمل کنم و به سمت جوان موتورسوار رفتم که در کوچه محل سکونت ما توقف کرده بود. وی ادامه داد: در حالی که دخترم راهی منزل شد، من به آن جوان موتورسوار هشدار دادم که مزاحم دخترم نشود! همین موضوع به آغاز ماجرا ه لفظی بین ما انجامید و او که قوی هیکل تر از من بود تلاش می کرد با من در گیر شود ولی من سوئیچ موتورسیکلت او را بر داشتم و با هم یقه به یقه شدیم. در همین لحظه بود که پسر ۱۰ ساله ام با دیدن صحنه در گیری به داخل منزل رفت و کاردی را بر ایام آورد که درون دایف بود! من هم بی درنگ کارد را از دست پسرم گرفتم و با آن چند ضربه روی باک موتورسیکلت وی زدم! من به هیچ وجه قصد نداشتم او را با کارد به قتل برسانم و فقط

برای ترساندن او چاقو کشی کردم. با وجود این، درگیری فیزیکی ما با خشم و عصبانیت آنی گره خورد که در این میان دیگر متوجه رفتار و حرکاتم نشدم و با همان کارد ضربه ای را به صورت کلتگی بر ناحیه گردن آن جوان موتورسوار فرود آوردم. به گزارش روزنامه خراسان، متهم این پرونده جنایی در پاسخ به سوال قاضی هادی دنیاپدیده (رئیس دادگاه) مبنی بر این که فقط یک ضربه به گردن او زدید؟ گفت: نه! در اثنای درگیری ضرباتی را هم بر نقاط دیگر پیکروی زدم!

اوسپس ادامه داد: در این گیرودار، پسر جوان از داخل جیبش سوئیچ یدکی موتورسیکلت را بیرون آورد و با آن موتورسیکلت را دوباره روشن کرد و با همان سرووضع خون آلود به راه افتاد اما بعد از مسافت کوتاهی، تعادل خودش را از دست داد و پس از برخورد با دیوار روی سنگ فرش های پیاده رو سقوط کرد. با آن که چند نفر از اهالی محل شاهد این صحنه بودند اما دخالتی نکردند و من به تنهایی با آن جوان در گیر شدم.

«بشیر احمد» (متهم) در پاسخ به سوال قاضی غلامرضا مصطفوی (مستشار دادگاه) که چه کسی به اوژانسس ۱۱۵ زنگ زد؟ نیز

گفت: من به دخترم گفتم که با اوژانسس تماس بگیرد! در این لحظه مقام قضایی گفت: اما شما در اعتراضات قبلی خودتان گفتید که «دخترم در منزل بود و من خودم به اوژانسی زنگ زدم!» متهم با شنیدن اظهارات قبلی خود لحظاتی سکوت کرد و سپس افزود: نمی دانم! گزارش روزنامه خراسان حاکی است: وی در حالی تلاش می کرد تا تناقض گویی، راهی برای گریز از مجازات بیابد که در تنگنای سوالات فنی و گاهی انحرافی قضات با تجربه شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی روبرو گشته بود و

راهی برای فرار از مخمصه های خود ساخته نداشت. حتی ادعای جنایت تحت تاثیر قرص های مصرفی نیز نتوانست او را از این مخمصه

نجات دهد چرا که پزشکی قانونی سلامت روانی وی را تایید کرده و او را مسئول اعمال خویش دانسته بود. در نهایت پس از پایان جلسه دادگاه و اعتراضات متهم در آخرین دفاعیات، قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی وارد شور شدند و به اتفاق آرا با استناد به دلایل و مدارک مستند، «بشیر احمد» (متهم) را به دلیل ارتکاب قتل عمدی جوان ۲۱ ساله به قصاص نفس محکوم کردند. در این حکم که به امضای قضات هادی دنیاپدیده (رئیس) و غلامرضا مصطفوی (مستشار دادگاه) رسیده، همچنین متهم به قتل به دلیل ایراد صدمات غیر کشنده به پرداخت دیه و از جنبه عمومی ایراد جرح با چاقو به تحمل یک سال زندان محکوم شده است چرا که قضات دادگاه با دلایلی قاطع و مستند به اعتراضات متهم در مراحل دادرسی، موضوع دفاع مشروع را نیز که از سوی وی در دادگاه بیان شده بود، رد کردند و این گونه وی در حالی زیر تیغ قصاص نفس قرار گرفت که دختر نوجوان در مرداب ارتباط خیابانی با جوان موتورسوار، صحنه دلخراشی را رقم زدند!

سابقه خبر

به گزارش روزنامه خراسان، شانزدهم فروردین گذشته تلفن قاضی ویژه قتل عمد مشهد به صدا درآمد و ماموران کلانتری پنجنن از وقوع جنایتی هولناک خبر دادند.

دقایقی بعد با حضور قاضی دکتر صادق صفری در بیمارستان شهید هاشمی نژاد تحقیقات قضایی آغاز و مشخص شد که جوان ۲۱ ساله موتورسواری که «امیر» نام داشت در نزاع با مرد تبعه خارجی ۳۵ ساله به قتل رسیده است. گزارش روزنامه خراسان حاکی است: در حالی که دامنه تحقیقات میدانی قاضی شعبه ۳۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد (شعبه ویژه جنایی) به منطقه پنجنن کشیده بود، «بشیر احمد» (متهم تبعه خارجی) در منزل مسکونی اش دستگیر و به پلیس آگاهی خراسان رضوی منتقل شد. نفر از اهالی محل شاهد این صحنه بودند اما مدتی قبل از طریق فضای مجازی با «امیر» آشنا شدم و ارتباط ما

زمین پژورا بلعید



شهردار زابل با تاکید بر این که شبکه فاضلاب زابل نیازمند بازسازی است، گفت: خوشبختانه این حادثه خسارت جانی در پی نداشت اما با توجه به فرسودگی بیش از حد شبکه فاضلاب شهر زابل ضرورت دارد بازسازی یا لولیت در دستور کار شرکت آب و فاضلاب قرار گیرد تا شاهد حوادث مشابه بعدی نباشیم.

یک خودروی سواری در زابل در پی نشست زمین در خیابان خسارت جدی دید. در پی نشست زمین در خیابان «آیت... طالقانی» شهر زابل، یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ در زمین فرو رفت و دچار خسارت شد. به گزارش حادثه ۲۴، محمد پودینه شهردار زابل در این باره اظهار کرد: شبکه فاضلاب شهر زابل دچار فرسودگی جدی

است و پیروآن بخشی از زیرساخت زمین در خیابان طالقانی زابل خالی و موجب وارد آمدن خسارت به یک خودروی شخصی شد. وی افزود: در پی این حادثه خیابان طالقانی زابل مسدود شد و بلافاصله نیروهای آتش نشانی در محل حادثه حضور یافتند و خودرو را از حفره ایجاد شده در زمین خارج کردند.

دزد دوچرخه های پایتخت دستگیر شد

چهره سارق در اختیار کلیه واحدهای عملیاتی قرار گرفت و گشت زنی های انتظامی افزایش یافت. وی گفت: در شاخه دیگری از اقدامات پلیسی مشخص شد سارق با استفاده از آگهی های فضای مجازی قصد فروش یک دستگاه دوچرخه به سرقت رفته را دارد که با هماهنگی های قضایی متهم در یک عملیات پلیسی، در مخفیگاهش دستگیر و در بازرسی از این مکان شش دستگاه دوچرخه سرقتی کشف شد.

رئیس پلیس پیشگیری تهران تصریح کرد: متهم پس از انتقال به کلانتری به ۱۰ فقره جرم ارتکابی اعتراف کرد. همچنین کلیه مال باختگان شناسایی شدند و متهم پس از تحقیقات تکمیلی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری سارق حرفه ای دوچرخه خبر داد که از محوطه پارکینگ منازل دوچرخه سرقت می کرد. به گزارش حادثه ۲۴، سرهنگ جلیل موقوفه ای گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت دوچرخه از داخل منزل و پارکینگ آپارتمان ها در محدوده خواجه نظام شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان در دستور کار تیم عملیات کلانتری نامجو قرار گرفت و بارصدهای اطلاعاتی و بازبینی دوربین های محل سرقت مشخص شد سارق به صورت پیاده به محل های سرقت مراجعه کرده و پس از ورود به پارکینگ ساختمان ها، با سرقت دوچرخه از محل متواری شده است.

این مقام انتظامی به شناسایی هویت و چهره متهم در پالایش های اطلاعاتی اشاره کرد و ادامه داد: تصویر

دختر دم بخت در دام خواستگار اخاذ

معظمی گودرزی گفت: کارشناسان متخصص پلیس فتای پایتخت اقدامات خود را آغاز کردند و پس از بررسی همه جوانب پرونده و بهره گیری از روش های علمی و تخصصی سایبری موفق شدند مجرم را در فضای مجازی شناسایی کنند. کارشناس فنی این پلیس با تحقیقات گسترده در فضای مجازی ضمن به دست آوردن اطلاعات هویتی متهم پس از تشریفات قضایی مجرم را در یکی از مناطق جنوبی تهران بزرگ دستگیر و به همراه اده له بجیتال به پلیس فتا منتقل کردند. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ افزود: متهم پس از حضور در پلیس فتای تهران بزرگ تحت بازجویی قرار گرفت و گرچه در ابتدا منکر ارتکاب هر گونه جرمی شد، اما سرانجام و پس از روبه رویی با شاکی لب به اعتراف باز کرد و گفت که صرفا با انگیزه کسب مال دست به این اقدام زده است. وی گفت: برای این فرد پرونده ای تشکیل و او به همراه این پرونده برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شده است.

رئیس فتای پایتخت از دستگیری فردی خبر داد که با وعده ازدواج اقدام به اخاذی در شبکه های اجتماعی کرده بود. به گزارش حادثه ۲۴، سرهنگ داود معظمی گودرزی در این باره گفت: چندی پیش زن جوانی به پلیس فتای تهران بزرگ مراجعه و اعلام کرد که فردی ناشناس در فضای مجازی با وعده ازدواج اقدام به اخاذی از وی کرده است. این زن به ماموران گفت که در یکی از شبکه های اجتماعی با فردی آشنا و این آشنایی به ارتباط نزدیک تر میان آنان منجر شده است تا جایی که این فرد به شاکی وعده ازدواج داده و با این بهانه تصاویری از او دریافت کرده است. وی با بیان این که برابر اظهارات شاکی، متهم بعد از گذشت مدتی در خواست های غیراخلاقی و نامتعارفی از وی داشته است، افزود: این مرد، شاکی را تهدید کرده بود که اگر به او پول ندهد با انتشار تصاویر خصوصی آبروی او را خواهد برد و به همین دلیل زن پس از آن که چندین بار مورد اخاذی واقع شده، تصمیم به شکایت گرفته است.

مرگ دلخراش خانواده شیرازی

نخستین حادثه گاز گرفتگی در شیراز سه قربانی داشت. او در توضیح خبر حادثه تلخ مرگ سه عضو یک خانواده در شیراز گفت: ساعت ۲۱ و ۵۸ دقیقه شامگاه شنبه شهروندان در تماس تلفنی با سامانه ۱۲۵ از محبوس شدن افرادی در یک خانه و احتمال گاز گرفتگی آنان خبر دادند. قانع با یادآوری این که حادثه یاد شده در شهرک بزین، واقع در شمال غرب شیراز رخ داد، گفت: ستاد فرماندهی سازمان آتش نشانی شیراز بی درنگ گروه امداد و نجات ایستگاه ۸ را به محل حادثه ر هسپار کرد. وی ادامه داد: حادثه در طبقه همکف یک ساختمان سه طبقه اتفاق افتاد و بنا بر شواهد موجود طبق اظهار ساکنان، این خانواده سه نفره داخل این منزل مسکونی حضور داشتند که گذشت ساعات زیادی پاسخگو نبودن این افراد منجر به نگرانی ساکنان شده بود.

هر سال و همزمان با سرد شدن هوا، شاهد بروز موارد مصدومیت و مرگ بر اثر گاز گرفتگی هستیم. امسال نیز در اولین روز از دومین ماه پاییز، سه عضو یک خانواده در شیراز، به دلیل مسمومیت ناشی از منواکسید کربن متصاعد شده از یکبخ، فوت کردند. به گزارش عرشه آنلاین، رئیس سازمان آتش نشانی شهرداری شیراز، یک شنبه اول آبان با تایید مرگ سه عضو یک خانواده بر اثر گاز گرفتگی، درباره وقوع این حادثه تلخ ابراز تاسف و تأثر کرد و بروز آن را ناشی از بی توجهی به هشدارها در باره مخاطرات وسایل گرمایشی غیراستاندارد دانست. محمد هادی قانع گفت: هر سال مسمومیت با گاز منواکسید کربن سبب مرگ خاموش تعدادی از هموطنان می شود، متأسفانه با شروع فصل سرما و بر اثر سهل انگاری خانواده در استفاده از وسایل گاز سوز نا ایمن

در امتداد تاریکی

ماجرای دزد نا جوانمرد

اگرچه آن سارق جوان با ترفندی ناجوانمردانه اموال مرا برود و من و همسرم در این شهر غریب تنها ماندیم اما بعد از این که دستگیر شد و به سرقت های دیگری به همین شیوه اعتراف کرد بسیار خوشحال شدم چرا که ...

به گزارش روزنامه خراسان این ها بخشی از اظهارات پیرمرد ۷۰ ساله ای است که به همراه همسرش در دام سارق حیلہ گری افتاده و همه مدارک و لوازمش را از دست داده بود. این پیرمرد بعد از دستگیری سارق اموالش توسط نیروهای انتظامی در باره چگونگی وقوع این ماجرا گفت: مدت ها بود که قصد داشتم به همراه شریک زندگی ام به مشهد سفر کنم تا گوشه ای از زحمات ۵۰ ساله او در این زندگی مشترک را جبران کرده باشم اما شرایط مناسبی پیش نمی آمد تا این که بالاخره در اواخر زمستان همه چیز دست به دست هم داد تا دانیس و همسر مرا به این سفر شویم. با خوشحالی لوازم سفر را به همراه مبالغی از پس انداز هایم درون چمدان های مسافرتی گذاشتیم و شب هنگام از استان گلستان سوار اتوبوس شدیم تا صبح زود به مشهد برسیم و محلی را برای اقامت چند روزه اجاره کنیم. خلاصه با آن که از شوق این سفر در اتوبوس خواب مان نبرد حدود ساعت ۴ بامداد و در حالی که هنوز هوا تاریک بود به مشهد رسیدیم و در پایانه مسافری از اتوبوس خارج شدیم. به هر زحمتی بود چمدان ها را تا بیرون از پایانه مسافری بردیم، در این هنگام راننده ای در حالی که فریادمی زد: «در بستی، در بستی!» به سوی ما آمد و قبل از آن که حتی مقصدمان را به او بگویم چمدان ها را به دستش گرفت و در صندوق عقب پراید جاسازی کرد. من و همسرم که به دلیل مسافرت با اتوبوس و شب بیداری بسیار خسته بودیم در صندلی عقب خودرو نشستیم. در این هنگام من از راننده خواستم ما را به مسافرخانه ای از آن قیمت ببرد چرا که من سال ها قبل به مشهد آمده بودم و نام خیابان هار انمی دانستم. راننده هم سری تکان داد و پدال گاز را فشرده. او بعد از عبور از یک تقاطع غیر همسطح بزرگ (میدان جمهوری اسلامی) در حاشیه بولوار توقف کرد و با بیان این که خودروی خراب شده است چند بار استارت زد اما خودرو روشن نشد. اوسپس کاپوت پراید را بالا برد و لحظاتی با قطعات موتور مشغول شد. در حالی که من هم آرام آرام نگران می شدم او دوباره پشت فرمان نشست و خطاب به من گفت: باید خودرو را هل بدهیم! ولی در آن تاریکی با مادانه عباری از آن محل عبور می کرد و نه راننده ای برای کمک به او متوقف می شد به همین دلیل راننده جوان در حالی که می گفت فقط بایک تکان کوچک روشن می شود از من و همسرم خواست تا کمی خودرو را هل بدهیم، من هم که فکر نمی کردم همه این ها نقشه ای ناجوانمردانه برای سرقت اموال مان است به زحمت همسرم را از خودرو پیاده کردم و با آن که بیماری ارتروز داشت و استخوان پاهایش در می کرد همه قدرت جسمی مان را جمع کردیم و دو نفری خودرو را هل دادیم.

هنوز چند قدم بیشتر حرکت نکردیم بودیم که ناگهان خودرو روشن شد و راننده جوان آن مقابل چشمان حیرت زده ما پدال گاز را فشرده و با سرعت زیادی در تاریکی بولوار گم شد. او همه لوازم شخصی، پول و اموال ما را که درون چمدان ها بود با خود برد و من هم به دلیل ضعف بینایی در آن ساعت بامداد نتوانستم حتی شماره پلاک آن را یادداشت کنم. فقط در کمال ناباوری به همسرم خیره شده بودم به طوری که از نگاه هایش خجالت می کشیدم. در این شرایط با دیدن گوشه تلفن که در جیبم مانده بود خوشحال شدم و با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم، سپس با همان مبلغ اندکی که در یکی از کارت های بانکی ام مانده بود با راهنمایی پلیس اتفاقی در یک مسافرخانه اجاره کردم تا این که یکی از فرزندانم مبلغی را بر ایام واریز کرد و ما به این سفر زیارتی ادامه دادیم. مدتی بعد یک روز از پلیس مشهد با من تماس گرفتند و مشخص شد که سارق اموال مرا دستگیر کرده اند و مقداری از لوازم شخصی من از مخفیگاهش پیدا شده است. وقتی آن دزد ناجوانمرد را دیدم فقط به او گفتم واقعا نمی دانستی که؟ سرقت از زائران آقا مجازات سختی دارا؟! در این میان بود که فهمیدم آن سارق ۳۲ ساله پرایدسوار از مسافران دیگری نیز با همین شگرد سرقت کرده است. اگرچه من و همسرم مجازات این دزد بی رحم را به قانون سپردیم اما یقین دارم که او به مجازات سنگینی محکوم خواهد شد و ...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی